



دروغ مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی را اکنون ملاحظه می‌کنید

۱- جنگ با مکزیک طی سال‌های ۱۸۴۸–۱۸۴۶

بعد از غلبه ناپلئون بر اسپانیا در سال ۱۸۰۹، برخی مستعمرات اسپانیا و از جمله مکزیک دست به طغیان زدند و حکومت جمهوری تشکیل دادند. ایالات متحده در آن زمان به این مستعمرات چشم داشت و به دنبال تصرف آنها بود.

وقتی «جیمز پالک» در سال ۱۸۴۵ رئیس‌جمهور آمریکا شد به کابینه خود اعلام کرد یکی از اهداف اصلی او تصاحب کالیفرنیا خواهد بود که در آن زمان بخشی از سرزمین مکزیک را تشکیل می‌داد. پالک در خاطرات خود می‌نویسد: «من به اعضای کابینه گفتم همانطور که آنان می‌دانند تا آن زمان ما شاهد هیچ‌گونه عملیات تهاجمی آشکار از جانب ارتش مکزیک نبوده‌ایم، لکن این خطر وجود داشت که چنین حمله‌ای هر لحظه صورت گیرد. من گفتم به نظرم ما دلایل کافی برای جنگ داریم.» لذا چنانکه «توماس دی‌لورنزو» نویسنده آمریکایی و استاد دانشگاه لویولا در مرلند با اشاره به این اظهارات جیمز پالک به درستی خاطر نشان می‌کند، «جنگ پیشگیرانه» مدت‌ها قبل از جورج بوش توسط حاکمان ایالات متحده تجویز شده است. پالک که به دنبال تحقق بخشیدن به اهداف توسعه‌گرایانه و سلطه‌طلبانه ایالات متحده بود، از آنجا که می‌دانست مکزیک دست به اقدامات تهاجمی زده است، به‌عنوان یک عمل تحریک‌آمیز نیروهای ارتش آمریکا را به مرز مکزیک اعزام کرد و این نیروها متعاقبا با ایجاد سنگرها و استحکامات نظامی در عمق ۱۵۰ کیلومتری سرحدات مکزیک اقدامات تجاوز آمریکا به خاک این کشور را فراهم کردند. این جنگ منجر به الحاق تگزاس، کالیفرنیا، نیومکزیکو، نوادا، آریزونا، یوتا و کلرادو غربی به ایالات متحده شد. «پولیسس گرانت» یکی از سربازان آمریکایی در جنگ ۱۸۴۸–۱۸۴۶ آمریکا علیه مکزیک در خاطرات خود می‌نویسد: «ها برای تحریک جنگ به آنجا اعزام شده بودیم.»

۲- جنگ آمریکا– اسپانیا در سال ۱۸۹۸
بلافاصله بعد از «جنگ داخلی» (۱۸۶۵–۱۸۶۱)، حکومت ایالات متحده یک جنگ ۲۵ ساله علیه سرخپوستان بومی به راه انداخت و با نسل‌کشی صاحبان اصلی سرزمین‌های تصرف‌شده، زمینه بسط و توسعه نظام سلطه سرمایه‌داری را فراهم کرد. بعد از این نسل‌کشی، از اواخر دهه ۱۸۸۰، آمریکایی‌ها که به منظور بهره‌برداری از محصولات شکر و تنباکو در کوبا سرمایه‌گذاری کرده بودند، به دنبال فرصت می‌گشتند تا بر اسپانیا به‌عنوان قدرت برتر نظام سلطه در آمریکای لاتین غلبه کنند. جنگ آمریکا با اسپانیا با این پیش‌زمینه تدارک دیده شد و بهانه انجام آن فراهم گشت. فوریه سال ۱۸۹۸ یک ناو جنگی آمریکا به نام «مین» که ظاهرًا به منظور حفظ منافع تجاری ایالات متحده در کوبا به بندر هاوانا اعزام شده بود منفجر شد و ۲۵۵ تن از سرنشینان آن کشته شدند. به‌رغم تکذیب دولت اسپانیا مبنی بر ایفای هر گونه نقش در این ماجرا، دولت آمریکا و رسانه‌های جمعی تحت کنترل آن اسپانیا را مسئول این انفجار و اعلام کردند و از این طریق افکار عمومی را برای شروع جنگ آماده کردند. لکن، تحقیقات بعدی نشان داد برخلاف سناریوی مورد ادعای آمریکا که علت انفجار را مین‌های دریایی قابل کنترل از دور می‌دانست و این مین‌های معجول را به اسپانیا منتسب می‌کرد، انفجار در داخل کشتی صورت گرفته بود. جنگ آمریکا علیه اسپانیا که با بهانه این پرچم دروغین صورت گرفت و منجر به اشغال نظامی کوبا و سپس تصرف فیلیپین و گوام شد، در شرایطی به وقوع پیوست که مبارزان کوبایی در دوره پائینی جنگ‌های انقلابی ۱۸۹۸–۱۸۸۸ در استانه غلبه بر اسپانیا بودند.

۳- جنگ اول جهانی

۷ مه ۱۹۱۵ آلمان منتهم شد با حمله یک زیردریایی خود به کشتی اقیانوس‌پیمای لوژنتانیا باعث کشته شدن ۱۲۰۰ تن از سرنشینان آن شامل ۱۲۸ آمریکایی شده است. تحقیقات بعدی نشان داد انفجار نه بر اثر حمله زیردریایی آلمانی، بلکه در داخل کشتی صورت گرفته است. لوژنتانیا که در ظاهر یک کشتی مسافری بود، به طور مخفیانه مشغول انتقال ۶ میلیون پوند (بالغ بر ۲۷۲۰ تن) فشنگ و سایر مواد منفجره از جانب مؤسسه بانکی مورگان برای انگلستان و فرانسه بود. این کشتی در حالی به‌عنوان یک اقدام تحریک‌آمیز با مجوز مقامات آمریکایی و انگلیسی به آب‌های تحت کنترل آلمان اعزام شده بود که آلمان علنا هشدار داده بود کشتی‌هایی که بدون مجوز آلمان از مرزهای آبی این کشور عبور کنند را منهدم خواهد کرد. بدین ترتیب دولتمردان آمریکا و انگلیس آگاهانه و به منظور ایجاد یقه‌های اغاز جنگ اول جهانی از کشتی لوژنتانیا و صدها سرنشین آن به‌عنوان یک طعمه استفاده کردند.

۴- جنگ دوم جهانی

حمله ژاپن در ۷ سپتامبر ۱۹۴۱ به پایگاه نیروی دریایی آمریکا در پرل هاربر (بندر پرل) واقع در هاوایی که بهانه ورود رسمی آمریکا به جنگ دوم جهانی را به وجود آورد، با تحریک آشکار و دسیسه‌چینی دولت وقت ایالات متحده صورت گرفت. در آن زمان، دولت آمریکا که از قبل به دستگاه‌های کشف رمز پیام‌های مخابراتی ارتش ژاپن دست یافته بود از تحویل این دستگانه‌ها به فرماندهان پایگاه نظامی خود در هاوایی اجتناب کرد و بدین ترتیب با آگاهی از حمله ژاپن، طبق یک طرح برنامه‌ریزی شده منتظر شد تا حمله انجام گیرد و با قربانی شدن سربازان آمریکایی زمینه آماده کردن افکار عمومی برای جنگ‌افروزی آمریکا فراهم شود. واقعه پرل هاربر در شرایطی صورت گرفت که دولت آمریکا از مدت‌ها قبل از آن مشغول اقدامات تحریک‌آمیز علیه ژاپن و آلمان به منظور ورود به جنگ بود. مسؤولین مزین ژاپن در بخش جاسوسی نیروی دریایی آمریکا ۸ اقدام تحریک‌آمیز را برای ورود ژاپن به جنگ علیه این کشور پیشنهاد کرده بود و «فرانکلین روزولت» رئیس‌جمهور وقت برای اغاز جنگ اول جهانی از کشتی لوژنتانیا علاوه بر بخشی اقدامات تحریک‌آمیز دیگر را صادر کرده بود. محاصره بنادر و تحریم اقتصادی به منظور جلوگیری از واردات نفت به ژاپن و تسلیح نیروهای درگیر در جنگ با آلمان و ژاپن



**بررسی نمونه‌هایی از تهاجمات و تجاوزگری‌های آمریکا که با زمینه‌سازی قبلی شکل گرفت**

# پرچم‌های دروغین

- عبدالحمید شهراپی\*

و مشارکت در عملیات نظامی به نفع آنان از جمله جدی‌ترین این اقدامات بود. به‌عنوان نمونه، نیروهای آمریکایی قبل از ورود رسمی به جنگ دوم جهانی به‌دفعات به قایق‌های جنگی آلمانی حمله کردند و خلبانان آمریکایی متشکل در اسکاردان «بیرهای پرنده» ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی ژاپن را در چین منهدم کردند.

۵- جنگ سرد

بعد از جنگ دوم جهانی، آمریکا که به دنبال بسط سلطه سیاسی– اقتصادی خود در سراسر جهان و توسعه صنایع نظامی‌اش برای حصول این هدف بود، به بهانه مهار «کمونیست‌های شیطان‌صفت و بی‌خدا» در اتحاد جماهیر شوروی، طبق دکترین «ترومن» رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، جنگ سرد را از سال ۱۹۴۶ به راه انداخت. در آن زمان دولت امنیت ملی در آمریکا تشکیل شد و این دولت تحت لوای «جلوگیری از گسترش کمونیسم» به انحای مختلف از سازماندهی کودتا گرفته تا تجاوز نظامی مستقیم دست به سرکوب مبارزات آزادیبخش ملل محروم زد. علاوه بر این، طی سال‌های ۱۹۵۶–۱۹۵۰ دولت آمریکا توسط جریانی که «مک‌کار تیس» نام گرفت، هرگونه انتقاد و اعتراض شهروندان آمریکایی نسبت به سیاست‌های خفقان‌زای خود را با اتهام طرفداری از کمونیسم، بدست سرکوب کرد. جوزف مک‌کارتی، سناتور دست راستی و مرتجع آمریکایی از ایالت ویسکانسین بود. طی دوران جنگ سرد دستگاه‌های امنیتی و سازمان‌های جاسوسی آمریکا بسپاری از اقدامات تخریبی خود را زیر «پرچم دروغ» پنهان کرده و اینگونه عملیات را تحت نام فعالان جنبش کمونیستی انجام می‌دادند. به‌عنوان نمونه، ایرانیانی که در خدمت سیا، سازمان جاسوسی آمریکا بودند در

سال‌های اولیه دهه ۱۹۵۰ میلادی جهت ایجاد بی‌ثباتی در ایران و زمینه‌سازی برای کودتای ۲۸ مرداد یکسری عملیات تروریستی و بمب‌گذاری را انجام داده و به نام کمونیست‌ها جا زدند. در همین راستا، همانطور که نخست‌وزیر سابق و یک قاضی ایتالیایی و همچنین رئیس سابق ضداطلاعات ارتش ایتالیا ادعان کرده‌اند، سازمان جاسوسی سیا در همکاری با پنتاگون و ناتو طی دهه ۱۹۷۰ و حتی قبل از آن با تحریک، تشویق و سازماندهی گروه‌های تروریست دست راستی، اقدام به بمب‌گذاری و عملیات تروریستی در ایتالیا نموده و مسؤولیت آن را متوجه فعالان حزب کمونیست ایتالیا کرد. یکی از افرادی که در عملیات پرچم دروغین در ایتالیا مشارکت داشته است در بخشی از اعترافات خود می‌گوید: «ما باید به افراد غیرنظامی حمله می‌کردیم، به مردم، زنان، بچه‌ها، انسان‌های بی‌گناه و آدم‌های ناشناخته‌ای که از بازی‌های سیاسی خیلی دور بودند. هدف عملیات، بسیار روشن و ساده بود: فرار بود مردم ایتالیا و رو به دولت بیاورند و از دولت بخوابند امنیت بیشتری را تأمین کند». برخی از حملاتی که در این عملیات تحت پرچم دروغ به اجرا درآمد عبارتند از: قتل نخست‌وزیر ایتالیا (۱۹۶۰)، انفجار بمب در پرتغال (۱۹۶۶)، کشتار جمعی در ایتالیا (۱۹۶۹)، حمله تروریستی در ترکیه (۱۹۷۱)، بمب‌گذاری در ایتالیا (۱۹۷۲)، تیراندازی و انفجار بمب در یک قطار در ایتالیا (۱۹۷۴)، تیراندازی و کشتار در استانبول– ترکیه (۱۹۷۷)، کشتار جمعی در مادرید– اسپانیا (۱۹۷۷)، قتل نخست‌وزیر ایتالیا (۱۹۷۸)، بمب‌گذاری در یک ایستگاه قطار بولونیا در ایتالیا (۱۹۸۰) و تیراندازی و قتل ۲۸ تن در بلژیک (۱۹۸۵).

۶- جنگ کره: ۱۹۵۳–۱۹۵۰

در شرایط پیروزی انقلاب چین و احتمال شکست نیروهای سرمایه‌داری در انتخاباتی که در کره جنوبی در پیش بود، ارتش کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۵۰–۱۹۴۹ در چند نوبت با چراغ سبز آمریکا به خاک کره شمالی حمله کرد و با پاسخ متقابل کره شمالی زمینه دخالت نظامی ایالات متحده در جنگی که به دنبال آن بود فراهم شد. در این جنگ کره شمالی ۳۰ درصد جمعیتش را بر اثر بمباران‌های این کشور توسط آمریکا در دهه ۱۹۵۰ از دست داد. این به این معنی است که هر خانواده کره شمالی، عزیزی را در زمان جنگ کره از دست داده است.

۷- جنگ «خلیج خوک‌ها» علیه کوبا

۱۶ ماه بعد از پیروزی انقلاب کوبا، دولت ایالات متحده



با آموزش و سازماندهی نیروهای ضدانقلاب آن کشور در ماه آوریل ۱۹۶۱ به کوبا حمله کرد. در این تجاوز نظامی که با فرماندهی مستقیم نیروهای انقلاب توسط «فیدل کاسترو» طی ۳ روز به شکست انجامید، برای توجیه جنگ و فریب افکار عمومی پرچم نیروی هوایی دولت کوبا بر بدنه هواپیماهای آمریکایی که در بمباران کوبا شرکت داشتند، نقاشی شده بود.

۸- عملیات نورث وودز

سال ۱۹۶۲، متعاقب شکست تجاوز نظامی ایالات متحده در خلیج خوک‌ها، در طرحی که با نام «عملیات نورث وودز» به تصویب رئیس و تمام اعضای ستاد مشترک ارتش آمریکا رسید، مقرر شد به منظور ایجاد زمینه برای شروع جنگ و فریب علیه کوبا یکسری عملیات فریب با «پرچم دروغین» توسط آمریکا و نیروهای تحت امر آن انجام گیرد و مسؤولیت آنها به دوش دولت کوبا گذاشته شود. برخی از اقداماتی که در این عملیات باید انجام می‌گرفت عبارت بودند از: غرق کردن کشتی‌های آمریکایی، سرتق و انفجار هواپیماهای تجاری آمریکا، انجام عملیات تروریستی علیه شهروندان آمریکایی و انفجار تعدادی از ساختمان‌ها در واشنگتن دی‌سی، میامی و دیگر شهرهای ایالات متحده. در این طرح که بعد از ماجرای شکست افتضاح‌آمیز آمریکا در خلیج خوک‌ها مورد تأیید کندی، رئیس‌جمهور وقت آن کشور قرار نگرفت، همچنین مقرر شده بود در انجام هر یک از این عملیات فریب، شواهد ساختگی برای مقصر نشان دادن دولت کوبا تهیه و در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

۹- طراحی حمله به ترینیداد-توباگو و جامائیکا

سال ۱۹۶۳ وزارت دفاع آمریکا در یک سند پیشنهاد می‌کند حملاتی به کشورهای عضو «سازمان دولت‌های آمریکایی»– مثل ترینیداد-توباگو یا جامائیکا– صورت گیرد و

۱۰- جنگ ویتنام

۴ اگوست ۱۹۶۴ در شرایطی که حکومت ویتنام جنوبی با حمایت آشکار ایالات متحده از مدتی قبل از آن مشغول حملات تهاجمی علیه ویتنام شمالی بود، حکومت ویتنام شمالی منتهم شد به یک ناو جنگی آمریکا به نام مادوکس در خلیج تونکین حمله کرده است.

بعدها همانطور که «مک نامارا» وزیر دفاع آمریکا اعتراف کرد، معلوم شد چنین حمله‌ای اصلا صورت نگرفته و این اتهام صرفا یک دروغ ساخته و پرداخته شده برای فریب افکار عمومی به منظور آغاز جنگ ایالات متحده علیه مردم ویتنام بوده است.

۱۱- اشغال نظامی گرانادا

اکتبر ۱۹۸۳ بعد از کودتای نظامی و قتل «موریس میشاب» نخست‌وزیر دولت انقلابی گرانادا، دولت آمریکا به این بهانه واهی که به علت حضور نیروهای کوبایی در گرانادا– که مشغول فعالیت‌های صلح‌آمیز و احداث زیرساخت‌های این کشور بودند– جان ۸۰۰ دانشجوی آمریکایی مشغول تحصیل علوم پزشکی در آنجا، در خطر است، با تجاوز نظامی به این کشور کوچک واقع در منطقه کارائیب، آن را به تصرف خود درآورد.

۱۲- جنگ علیه مواد مخدر

«جنگ علیه مواد مخدر» که از سال ۱۹۷۱ توسط «ریچارد نیکسون» رئیس‌جمهور وقت آمریکا آغاز شد، در واقع بهانه‌ای بوده برای سلطه‌گری و حضور نظامی ایالات متحده در کشورهای محروم و عقب‌نگهداشته شده، بالاخص در منطقه آمریکای لاتین. به‌رغم ادعای کذب ایالات متحده مبنی بر مبارزه با تولید و تجارت مواد مخدر، سیا، سازمان جاسوسی آمریکا از «رد»های تولیدکننده مواد مخدر حمایت می‌کند و در تجارت کلان آن که طبق آمار ارائه‌شده توسط سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ معادل ۲۲۰ میلیارد برآورد شده است، مشارکت دارد. لکن درآمد واقعی تجارت فعلی مواد مخدر که قسمت عمده آن برای تسلیح نیروهای تروریست مورد حمایت آمریکا و دیگر فعالیت‌های تخریبی سازمان‌های جاسوسی شورهای امپریالیستی هزینه می‌شود، به مراتب بیشتر از این میزان است.

۱۳- اشغال نظامی پاناما

اکتبر ۱۹۸۹ درگیری‌های برنامه‌ریزی‌شده نظامی منجر به تسریع اجرای نقشه آمریکا برای تصرف پاناما و برکناری متحد

<sup>[1]</sup> در بخش اول این مقاله تحت عنوان «کشتار اورلاندو، احتمال عملیاتی دیگر زیر پرچم دروغین» ضمن شرح برخی حقایق مربوط به این عملیات، قرار بر این شد که نمونه‌های تاریخی تهاجمات آمریکا تحت پرچم دروغ مورد بررسی قرار گیرد

– به‌رغم سناریوی رسمی مورد ادعای دولت آمریکا مبنی بر اینکه اصابت هواپیما علت انفجار و فروریختن ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی و پنتاگون بوده است، برخی مأموران ویژه نجات و کارکنان آتش‌نشانی به انفجار بمب و مواد محترقه در سراسر این ساختمان‌ها اشاره داشته‌اند.

– بسیاری از کارشناسان و متخصصان امور فنی امکان فروریختن برج‌های ۱۰۰ طبقه‌ای دارای سازه فولادی با سرعتی قریب به سرعت سقوط آزاد را بر اثر اصابت هواپیما و آتش‌سوزی ناشی از آن، نفی کرده‌اند. طبق این نظریه کارشناسی، انفجار و انهدام این ساختمان‌ها از درون صورت گرفته و کنترل شده، بوده است.

– به‌رغم آگاهی افکار عمومی از سقوط برج‌های دوقلوی «مرکز تجارت جهانی» در ۱۱ سپتامبر، این واقعیت از نگاه بسیاری پنهان مانده است که ساختمان شماره ۷ این مرکز نیز بعدازظهر همان روز بدون اینکه مورد اصابت هواپیما قرار گیرد، کاملا همانند دو ساختمان دیگر منفجر شده و سقوط کرده است.

– یک تیم از دانشمندان بین‌المللی در آزمایش نمونه‌های خاک محل انفجار که بلافاصله بعد از فروریختن ساختمان‌ها به دست آمده است، تعداد زیادی از تکه‌های نانوترمایت آتش‌نگرفته را کشف کرده‌اند. نانوترمایت یک ماده منفجره است که تنها آزمایشگاه‌های پیچیده نیروهای نظامی بسیار پیشرفته قابلیت تولید آن را دارند.

– فولادهای باقیمانده در محل انفجار به سرعت به خارج از ایالات متحده منتقل شده و ذوب می‌شوند این در حالی است که با آزمایشات دقیق می‌شد به تأثیر مواد منفجره بر آنها پی برد.

۱۷- تجاوز نظامی به عراق – سال ۲۰۰۳

آمریکا سال ۲۰۰۳ ادعا کرد دولت عراق به سلاح‌های کشتار جمعی مجهز است و به بهانه خطرات ناشی از این سلاح‌ها به عراق حمله کرد. لکن، بعد از حمله نظامی به عراق و اشغال آن کشور معلوم شد وجود این نوع سلاح در عراق صرفا یک دروغ ساخته و پرداخته شده توسط دولت‌های امپریالیستی جهت تأمین اهداف سلطه‌طلبانه آنها بوده است.

۱۸- برنامه تجاوز نظامی آمریکا به ۷ کشور

«وسلی کلارک» ژنرال ۴ ستاره بازنشسته ارتش آمریکایی است که فرمانده عالی نیروهای ناتو در جنگ علیه یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹ بوده است. وی در بخشی از مصاحبه خود با «می‌گودمن» سردبیر سایت «دموکراسی نا» (دموکراسی–حلال) که ۲ مارس ۲۰۰۷ انجام شده، می‌گوید: «حدود ۱۰ روز بعد از ۱۱ سپتامبر به پنتاگون رفتم و «رامسفلد» وزیر و «ولفowitz» معاون وزیر را دیدم. از پله‌ها پایین رفتم تا به شخصی که عضو ستاد مشترک بود و قبلا برایم کار می‌کرد سلام کنم و یکی از ژنرال‌ها مرا صدا کرد و گفت بیا داخل. او گفت «قربان! شما باید به داخل بیایید و برای لحظه‌ای با من صحبت کنید.» گفتم «خب! شما خیلی مشغول هستید.» او گفت: «خیر، خیر.» و گفت: «ما تصمیم گرفته‌ایم به جنگ با عراق برویم.» آنوقت حدود ۲۰ سپتامبر بود. گفتم: «ها قرار است با عراق بجنگیم؟ چرا؟» او گفت: «می‌دام.» او گفت: «حسد می‌زنم! آنها نمی‌دانند چه کار دیگری بکنند.» پس من گفتم: «خب! آیا آنها اطلاعاتی پیدا کرده‌اند که ارتباط صدام با القاعده را نشان می‌دهد؟» او گفت: «نه.» او گفت: «هیچ چیز تازه‌ای در این باره وجود ندارد. آنها فقط این تصمیم را گرفته‌اند که با عراق وارد جنگ شوند.» او گفت: «هن حدس می‌زنم این طور به نظر می‌رسد که ما نمی‌دانیم در مورد تروریست‌ها چه کنیم ولی ما ارتش خوبی داریم و می‌توانیم حکومت را به پایین بکشیم.» او گفت: «فکر می‌کنم اگر تنها ابزاری که شما دارید چکش باشد، هر مساله‌ای باید شبیه میخ به نظر برسد.» پس از آن، من چند هفته بعد بازگشتم تا او را ببینم و در آن زمان ما مشغول بمباران افغانستان بودیم. من گفتم: «یا هنوز قرار است ما به جنگ با عراق برویم؟» او گفت: «هه، بدتر از آن است.» او به طرف میزش رفت و یک تکه کاغذ را برداشت و گفت: «من این را از طبقه بالا تازه امروز دریافت کردم.» منظرش دفتر وزیر دفاع بود. و گفت: «این یادداشتی است که شرح می‌دهد ما چگونه می‌خواهیم ۷ کشور را ظرف ۵ سال از میان برداریم، با شروع از عراق و بعد سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و با پایان یافتن در ایران.» من گفتم: «یا این اطلاعات محرمانه است؟» او گفت: «بله قربان.» من گفتم: «خب! به من نشان نده.» و من او را یک سال بعد از زمانی در حدود آن دیدم و گفتم: «آن را به یاد می‌آوری؟» او گفت: «من آن یادداشت را به شما نشان ندادم. من آن را به شما نشان ندادم.»

توطئه‌های جنایت‌بار آمریکا به مواردی که در بالا بیان شد خلاصه نمی‌شود و کارنامه ننگین دولت ایالات متحده پر است از توطئه و فریب نه‌تنه علیه ملل دیگر بلکه علیه خود ملت آمریکا. با این اوصاف آیا احتمال نمی‌رود که کشتار اورلاندو نیز عملیاتی دیگر تحت پرچم دروغین باشد؟
**«ماه‌هاگ‌کننده کمپین همبستگی با ایران» مسؤول تحقیقات خانه آمریکای لاتین**

